



## بسم الله الرحمن الرحيم

بحث در فصل هشتم از باب صوم است؛ فی الزمان الذي یصح فيه الصوم، واضح است که روزه در هر زمانی مشروعیت ندارد بلکه روزه را باید در زمانی خاصی که شارع معین فرموده است گرفت. صاحب عروة در این مورد می فرماید: «و هو النهار من غیر العیدین و مبدؤه طلوع الفجر الثانی و وقت الإفطار ذهاب الحمرة من المشرق و يجب الإمساك من باب المقدمة فی جزء من اللیل فی کل من الطرفين لیحصل العلم بإمساك تمام النهار» روزه از نهار که آغاز فجر ثانی است شروع می شود و اتمام آن در غروب است و کتاب و سنت و اجماع بر این امر دلالت دارد.

اما کتاب؛ قوله تعالی: «كُلُوا وَ اشْرَبُوا حَتَّىٰ یَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتَمُّوا الصَّیَامَ إِلَى اللَّیْلِ» (بقره ۱۸۷) در مورد آخر صوم که لیل می باشد بحثی مطرح است و آن اینکه این لیل چه موقعی محقق می شود؟ آیا مراد از لیل استتار قرص خورشید است یا مراد از آن زمانی است که علاوه بر استتار قرص حمزه ی مشرقیه (سرخی ای که بعد از غروب آفتاب در سمت مشرق ایجاد می شود) هم زائل شود؟ صاحب عروة معیار را ذهاب حمزه ی مشرقیه می داند و مشهور و ما هم به همین قائل هستیم و مراد از ذهاب حمزه این است که سرخی از بالای سر رد شود و به طرف مغرب برود.

آیه الله خوئی قائل است که استتار قرص کافی است لذا در اینجا در ذیل کلام صاحب عروة حاشیه زده می فرماید: «علی الاحوط» به هر حال مخفی نیست که اتمام روزه با لیل است ولی در اینجا لیل چیست اختلاف است و از این رو نزاع صغروی است. اما در سنت؛ خبر ۲ از باب ۴۲ از ابواب ما یمسک عنه الصائم بر این مطلب دلالت دارد، خبر این است: «کلینی عن عدّه

من أصحابنا عن أحمد بن محمد بن علی بن الحکم عن عاصم بن حمید عن أبي بصیر قال سألت أبا عبد الله (ع) فقلت متى یحرم الطعم و الشراب علی الصائم و تحل الصلاة صلاة الفجر فقال إذا اعترض الفجر (هنگامی که فجر منبسط شد یعنی فجر صادق طلوع کرد) و كان كالتبیطة البیضاء (و مانند قبطیه ی بیضاء که پارچه ای سفید است شد) فثم یحرم الطعم و یحل الصیام (صیام حلول می کند و محقق می شود) و تحل الصلاة صلاة الفجر الحدیث». خبر سندا صحیح می باشد و همانطور که می بینید در این روایت گفته شده که آغاز روزه طلوع فجر می باشد.

و اما دلیل اجماع: این مسئله نه تنها اجماعی است بلکه از ضرورت دین می باشد (البته بعضی از فرق ضاله مانند علی الهی ها سالی سه روز روزه می گیرند به این گونه که از فجر تا فجر بعدی به اندازه ی بیست و چهار روز روزه می گیرند). خوب صاحب عروة در ادامه بحث می فرمایند که در عیدین نباید روزه گرفت یعنی روزه در این دوروز جایز نمی باشد و خبر ۳ از باب ۱ از ابواب صوم محرم و مکروه بر این مطلب دلالت دارد، خبر این است: «باسناد الصدوق عن حماد بن عمرو و أنس بن محمد عن أبيه جمیعاً عن الصادق عن آبائه ع فی وصیة النبی ص لعلی (ع) قال یا علی صوم الفطر حرام و صوم یوم الأضحی حرام». البته سند این روایت به خاطر کلمه؛ (عن أبیه) ضعیف است ولی علماء به این روایت عمل کرده اند لذا ضعفش جبران می شود.

بحث دیگر این است که انسان برای اینکه یقین کند که از طلوع تا لیل را روزه گرفته باید کمی قبل از فجر و کمی بعد از لیل را امساک کند به دلیل قاعده ی اشتغال که می گوید باید برائت یقینیه حاصل شود (در موارد دیگری نیز اینچنین است مثلاً هنگام وضو باید کمی بالاتر از مرفق را بشوییم و همچنین در شبهات تحریمیه اگر دو ظرف است و یکی از آن دو که غیر معین است نجس می باشد باید از هر دو پرهیز کنیم همچنین در شبهات وجوبیه که

و الحمد لله رب العالمین اولاً و آخراً و صلی الله علی  
محمد و آله الطاهیرین

مقرون به شبهه ی محصوره است مانند نماز خواندن به چهار طرف هنگامی که قبله را نمی شناسیم و موارد بسیار دیگر). بعضی مانند آیه الله خوئی اشکال کرده اند و گفته اند در پایان قبول داریم که باید مقداری از شب را روزه بگیرد ولی در طرف طلوع لازم نیست زیرا استصحاب اللیل می گوید هنوز طلوع نشده است. بعد صاحب عروه اضافه می کند که: « و یستحب تأخیر الإفطار حتی یصلی العشاءین لتکتب صلاته صلاة الصائم إلا أن یكون هناك من ینتظره للإفطار أو تنازعه نفسه علی وجه یسلبه الخضوع و الإقبال و لو كان لأجل القهوة و التتن و التریاک فإن الأفضل حينئذ الإفطار ثم الصلاة مع المحافظة علی وقت الفضیلة بقدر الإمكان ». مستحب است انسان در حال روزه نماز مغرب و عشاء را بخواند تا ثواب نماز صائم را ببرد البته اگر افرادی منتظر باشند که او بیاید تا افطار کنند در این حال بهتر است که نمازش را به تأخیر بیندازد همچنین اگر در آن حال نماز بخواند دیگر حضور قلب ندارد نیز باید ابتدا روزه اش را افطار کند و بعد نمازش را بخواند.

صاحب عروه در ادامه می فرماید؛ اگر کسی معتاد به دخانیات و قهوه و غیره باشد بهتر است اول قهوه، تتن و تریاک را مصرف کند (افطار کند) بعد نماز بخواند، به هر حال در همه ی این موارد اگر چه اول افطار می کند ولی بهتر است مراقب وقت فضیلت نماز هم باشد و تا جایی که امکان دارد نماز را تاخیر نیندازد.

خبر ۱ از باب ۷ از ابواب آداب الصائم بر این مطلب دلالت دارد (بابُ اسْتِحْبَابِ تَقْدِيمِ الصَّلَاةِ عَلَى الْإِفْطَارِ إِلَّا أَنْ يَكُونَ هُنَاكَ مَنْ يَنْتَظِرُ إِفْطَارَهُ أَوْ تَنَازَعَهُ نَفْسُهُ إِلَيْهِ) خبر این است: « مُحَمَّدٌ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الْإِفْطَارِ أَوْ بَعْدَهَا قَالَ قَالَ إِنَّ كَانَ مَعَهُ قَوْمٌ يَخْشَى أَنْ يَحْبِسَهُمْ عَنْ عَشَائِهِمْ فَلْيُفْطِرْ مَعَهُمْ وَإِنْ كَانَ غَيْرُ ذَلِكَ فَلْيُصَلِّ ثُمَّ لْيُفْطِرْ ». دلالت خبر بر مانحن فيه روشن است، بقیه بحث بماند برای جلسه بعد

...